**فصل دوّم**

در شرايط مبلّغين

جمال قدم جلّ جلاله در لوح سلطان**[[1]](#footnote-1)** پاريس ميفرمايند:

"قد کتب اللّه لکلّ نفس تبليغ امره و الّذی اراد ما امر به ينبغی له ان يتّصف بالصّفات الحسنة اوّلا ثمّ يبلّغ النّاس لتنجذب بقوله قلوب المقبلين و من دون ذلک لا يؤثّر ذکره فی افئدة العباد کذلک يعلّمکم اللّه انّه لهو الغفور الرّحيم .... قل انّا قد قدّرنا التّبليغ بالبيان ايّاکم ان تجادلوا مع احد و الّذی اراد التّبليغ خالصا لوجه ربّه يؤيّده روح القدس و يلهمه ما يستنير به صدر العالم و کيف صدور المريدين."

و در مقام ديگر ميفرمايند قوله تعالی:

"من اراد التّبليغ ينبغی له ان ينقطع عن الدّنيا و يجعل همّه نصرة الأمر فيکلّ الأحوال هذا ما قدّر فی لوح حفيظ و اذا اراد الخروج من وطنه لأمر ربّه يجعل زاده التّوکل علی اللّه و لباسه التّقوی کذلک قدّر من لدی اللّه العزيز الحميد اذ اشتعل بنار الحبّ و زيّن بطراز الأنقطاع يشتعل بذکره العباد انّ ربّک لهو العليم الخبير."

و در لوح رضا ميفرمايند قوله تعالی:

"هر نفسيکه اراده تبليغ نمايد اگر متوجّه بسمتی است بايد ظاهر را از اشياء دنيا کلّها و باطن رااز ذکرش مقدّس و منزّه نمايد لمثله ينبغی ان يبلّغ امر ربّه المهيمن المقتدر العزيز القدير و ينبغی ان يکون زاده تقوی اللّه العليم الحکيم و درعه انقطاعه عمّا سواه و توکّله عليه در اين وقت سزاوار است تبليغ امر الهی و ذکر محبوب لايزالی و اگر نفسی در بلد اراده تبليغ نمايد بايد از محلّ خود بحول اللّه برخيزد و لوجه اللّه اقبال نمايد و بانقطاع کامل مشی کند تا بآن مقرّ داخل شود و بعد بکمال حکمت بما امر ذاکر گردد. اين است امر حقّ که از معين بيان رحمن جاری شد."

از اين قبيل آيات بسيار در الواح الهيّه موجود و نمونه را آنچه ذکر شد کافيست.

1. مقصود از ملک پاريس ناپلئون سوّم برادر زاده ناپلئون بناپارت است. ژوزفين زوجه بناپارت دختری داشت مسماة به هورتانس که در ١٧٨٣ متولّد شده بود و پس از رشد بعقد برادر ناپلئون بناپارت در آمد. ناپلئون سوّم از وی بوجود آمد. هورتانس در ١٨٣٧ وفات يافت. ناپلئون سوم در ١٨٠٨ متولّد و بعد از انقلاب ١٨۴٨ بمساعدت دهاقين چندی مقام رياست جمهور را دارا شد و در دوم دکابر ١٨۵٢ امپراطور فرانسه شد. جمالمبارک جلّ جلاله لوحيکه در ادرنه نازل شده بود برای او فرستادند و چون ترتيب اثری بلوح مبارک نداد لوح ثانی قهريّه در عکّا نازل و برای او ارسال شد. (مفاوضات صفحه ٢۵) در ١٨٧٠ ناپلئون سوّم با آلمان بجنگ مشغول شد و در قلعه سدان بدست بيسمارک اسير گرديد و از فرانسه تبعيد و اخراج و در چيزل هورست نزديک لندن محبوس بود تا آنکه در ١٨٧٣ ميلادی مطابق ١٢٩٠ هجری وفات يافت. تاريخ محبوسيّت ناپلئون بر حسب تاريخ هجری مطابق قول فرهاد ميرزا در کتاب زنبيل در ضمن ترجيع مناره ناپلئون که بمناره وندوم معروف است بقرار ذيل است بقوله: "شاهنشه فرانسه ناپلئون محبوس شد بمعرکه شالون در پنجم جمادی آخر بود در غين و را و زا پس لام و نون ...". الخ (١٢٨٧) در اين جنگ که بين فرانسه و آلمان بوقوع پيوست (مطابق بيان مبارک حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در رساله مبارکه مدنيّه که موسوم باسرار غيبيّه است و بنصّ مبارک در رساله مزبور در١٢٩٢ از قلم مبارک نازل شده) تلفات حاصله ششصد هزار نفس بوده که بقتل رسيده‌اند. پسر ناپلئون سوم موسوم به پرنس ناپلئون نيز در تاريخ اوّل جون ١٨٧٩ دهم جمادی الآخر ١٢٩۶ هجری بدست وحشيان زولوس مقتول گرديد. ( مرآت البلدان صنيع الدوله مراغه مجلّد چهارم صفحه ٣٧٣ - ٣۶٧) لوح ثانی ناپلئون سوم در ضمن سوره هيکل نازل و در ضمن بند ٨٦ کتاب مستطاب اقدس هم مقصود از "من کان اعظم منک شأنا .... " الخ که خطاب بملک برلين نازل شده همين ناپلئون سوم است. [↑](#footnote-ref-1)